



به وقت آردیبهشت

شهید مدافع حرم

حسن قاسمی دانا

مریم عرفانیان

فهرست

مقدمه | ۹

داستان اول | اظهار تبار دار | ۱۱

داستان دوم | هیچ برگی بی اذن تو زمین نمی افتد | ۱۹

داستان سوم | آشتی | ۲۵

داستان چهارم | عطر خاک شلمچه | ۳۱

داستان پنجم | رقیبی که رفیق شد | ۳۵

داستان ششم | وقت عاشقی | ۴۱

داستان هفتم | یک دوستی ناب | ۴۷

داستان هشتم | طعم تلخ شیرینی | ۵۳

داستان نهم | اهل من ناصر یبصرنی | ۵۹

داستان دهم | جانم می رود... | ۶۷

داستان یازدهم | یکی شبیه خودش | ۷۵

داستان دوازدهم | به من نگو بی معرفت | ۸۵

داستان سیزدهم | عصر پنجشنبه | ۹۵

داستان چهاردهم | عملیات ثامن الائمه | ۱۰۳

داستان پانزدهم | خبری در راه است | ۱۱۷

داستان شانزدهم | بوسه‌ای که جاماند | ۱۲۷

داستان هفدهم | ماهمه عباس تویم یا زینب | ۱۳۵

داستان هجدهم | سروهایی به قامت او | ۱۳۹

داستان نوزدهم | مسافر بهشت | ۱۴۳

مقدمه

گاهی باید رفت و به سرانجام رسید. باید جوانی را در نیمه راه به حال خودش گذاشت، مرزها را رها کرد و همچون سروی پراستقامت در برابر طوفان کفر ایستاد. باید وصال را در سفری اخروی جست و جو کرد. این کتاب تکرار خاطرات مادری است از جوان رشیدش که برایش آرزوها داشت؛ روایت جوانی است که لحظه‌ای تاب ماندن نداشت و دلش برای پاسخ به ندای «هَلْ مِنْ ناصِرٍ يَنْصُرُنِي» تپید. دلش تپید برای یاری حضرت زینب علیها السلام، زمانی که از تل زینبیه به گودی قتلگاه می‌نگریست. دلش تپید برای فریاد مظلومیت شیعه و دلش تپید برای سفری ملکوتی. او شور و شیدایی جوانی و زندگی آسوده را رها ساخت تا وقتِ عاشقی به سرانجام برسد. از روزمرگی‌ها و رسیدن‌های پست دنیوی دل‌گند و جوانی‌اش را در نیمه راه به حال خودش گذاشت و مرزها را رها کرد ...

کتاب حاضر قطره‌ای از عشق بی‌کران جوانی است که پاسدار حقیقی بانوی کربلا، حریم حرم ائمه علیهم السلام و مدافع عشق شد. او رفت و به سرانجام رسید؛ سرانجامی تمام‌نشدنی برای کسانی که در راه سعادت نشانه‌هایی دیدند و

به دنبال حقیقت، مقصد و نهایتی غایی هستند. سرانجامی که مقصد همه سفرهای اخروی است. او رفت و مسافر بهشت شد. کتاب حاضر معطر به خاکِ شلمچه است، معطر به عطرِ نابِ حرمین و معطر به بوی شهادت. این کتاب قطره‌ای است از اشک دلتنگی‌های مادری که زیر سیاهی چادر جا ماند. این کتاب قطره‌ای است از دوستی‌هایی ناب ... حیف که هیچ‌گاه نمی‌توان نقش اشک‌های دلتنگی را با تک تک کلمات منتقل کرد. و این روایت همچنان ادامه دارد ...

مریم عرفانیان

زمستان ۱۳۹۶